



ارزشیابی مجدد آرشیوی^۱

گرت هرلی^۲
ترجمه: محبوبه سادات بیدگلی^۳

کلیدواژه‌ها:
ارزشیابی،
خروج از ثبت،
تعیین تکلیف،
مدیریت مجموعه‌ها،
حذف

ارزشیابی مجدد، فرایند بازنگری در تصمیمات ارزشیابی گذشته برای تعیین منابع آرشیوی‌ای است که دیگر برای نگهداری دائمی در آرشیو مناسب نیستند. فرایندهای تصمیم‌گیری ارزشیابی مجدد، محدوده و پایه و اساس آن را مشخص می‌کند؛ محتوا و زمینه منابع را به‌طور نظام‌مند بررسی می‌کند؛ و مستندات مربوط به منشأ، اهدا و پذیرش اسناد را مورد بازبینی قرار می‌دهند. ارزشیابی مجدد در نهایت به تصمیم‌گیری درباره نگهداری منابع و یا حذف دائمی آنها از آرشیو از طریق فرایند خروج از ثبت منجر می‌گردد.

این مقاله به بررسی زمینه و مفهوم ارزشیابی مجدد و خلاصه نظریات مختلف درباره این موضوع می‌پردازد. نویسنده اشاره می‌کند که اگرچه لئونارد راپورت، ارزشیابی مجدد را کارکردی برای مدیریت مجموعه‌های آرشیوی می‌داند، برخی دیگر مانند پندیکت با به‌چالش کشیدن ارزشیابی مجدد و پیامد آن خروج از ثبت، این دورا تضعیف‌کننده اصول اولیه آرشیوی می‌دانستند. ارزشیابی مجدد پس از آن با بررسی‌ها و مطالعات موردی دیگر روی نظریه، کنش آگاهانه و اصول اخلاقی آن دنبال شد که بیشتر پژوهش‌ها نسبت به این مفهوم نظر مثبت داشتند. این مقاله در ادامه با استفاده از «دستورالعمل ارزشیابی مجدد و خروج از ثبت» انجمن آرشیوداران آمریکا (سال ۲۰۱۲) فرایند ارزشیابی مجدد را تشریح می‌کند و در پایان به این نتیجه می‌رسد که باوجود جنجالهای گذشته، ارزشیابی مجدد، مفهومی سودمند برای آرشیوداران است تا مجموعه‌ها را به‌گونه‌ای مسئولانه مدیریت کنند. ارزشیابی مجدد «عملی خلاقانه و پیچیده است» که زمانی که دامنه و منطق انجام آن تعریف شود و تصمیمات آن به‌طور نظام‌مند، عملی و به‌دقت مستند شوند، امکان بالایش و تقویت دارایی‌های آرشیو را فراهم می‌آورد.

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:
Hurley, Grant. (2015).
Archival Reappraisal. In
Luciana Duranti and Patricia
c. Franks (eds). *Encyclopedia
of Archival Science*. Lanham:
Rowman and Littlefield,
80- 82.
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد،
دوره دوم‌رکنی مطالعات آرشیوی
و علم کتابداری و اطلاعات،
دانشکده اطلاعات، دانشگاه
بریتیش کلمبیا، ونکوور، کانادا؛
برای مکاتبات:
grant.hurley@utoronto.ca
۳. کارشناس ارشد
باستان‌شناسی، پژوهشکده
اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه
ملی ایران، تهران، ایران
m.sadat-bidgoli@nlai.ir

استناد: هرلی، گرت، (۱۴۰۴). ارزشیابی مجدد آرشیوی. (محبوبه سادات بیدگلی، مترجم). *آرشیو ملی*، ۸

(۲)، ۴-۹.

۱. مقدمه

ارزشیابی مجدد^۱، فرایند بازنگری در تصمیمات ارزشیابی گذشته برای تعیین منابع آرشیوی ای است که دیگر برای نگهداری دائمی، مناسب نیستند. فرایندهای تصمیم‌گیری ارزشیابی مجدد، محدوده و پایه و اساس آن را مشخص می‌کنند؛ محتوا و زمینه منابع را به‌طور نظام‌مند بررسی می‌کنند؛ و مستندات مربوط به منشأ^۲، اهدا^۳ و پذیرش اسناد^۴ را مورد بازبینی قرار می‌دهند. فرایند ارزشیابی مجدد با تصمیم‌گیری درباره نگهداری یا حذف دائمی منابع از آرشیو از طریق «خروج از ثبت»^[۱] خاتمه می‌یابد. اگرچه ارزشیابی مجدد و خروج از ثبت در حال حاضر به‌عنوان ابعادی از مدیریت مجموعه‌ها دیده می‌شوند، بحث درباره این موضوع، در طول دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به وقوع پیوست که منجر به انجام مطالعات موردی و انتشار مقالات درباره پیامدهای نظری، اخلاقی و عملی آن گردید. در سال ۲۰۱۲ انجمن آرشیوداران آمریکا «دستورالعمل ارزشیابی مجدد و خروج از ثبت» (Guidelines for Reappraisal and Deaccessioning) را به تصویب رساند تا فرایندها را مشخص کند و موجب شفاف‌سازی در عملکرد و پاسخ‌گویی آرشیوهای شود که ارزشیابی مجدد انجام می‌دادند.

۲. زمینه

مفهوم ارزشیابی مجدد، به‌طور رسمی توسط لئونارد راپورت در مقاله بنیادین وی با عنوان «بدون قاعده استثنای ارزشیابی مجدد اسناد پذیرفته‌شده» (No Grandfather Clause: Reappraising Accessioned Records) در سال ۱۹۸۱ وارد ادبیات آرشیوی شد. باوجود اینکه ادبیات کتابداری در آغاز دهه ۱۹۵۰ به مفهوم خروج از ثبت پرداخته بود، ارزشیابی مجدد، تحولی متمایز در این مفهوم تلقی می‌شود؛ تحولی که از بطن سنت دیرپای نظریه‌پردازی درباره ارزشیابی آرشیوی پدیدار شده است. ادبیات مربوط به ارزشیابی بر این فرض استوار است که منابع آرشیوی پس از آنکه یک بار ارزشیابی و پذیرفته شدند، به‌طور دائمی نگهداری خواهند شد. بااین‌حال واژه‌نامه اصطلاحات سال ۱۹۷۴ که توسط فرانک بی. اوانس^۵ و همکارانش در مجله *American Archivist* منتشر شده است، اصطلاح «حذف دائمی»^۶ را نیز در بر می‌گیرد که به‌عنوان «انتقال دائمی اسناد از تصدی فیزیکی و قانونی مخزن» تعریف می‌شود و به این اشاره دارد که حذف منابع از مجموع دارایی‌ها، شیوه‌ای شناخته شده است (Evans, 1974, p 427).

راپورت در بحث خود درباره ارزشیابی مجدد به‌عنوان یکی از عملکردهای مدیریت آرشیو، به‌طور رسمی به این موضوع پرداخته است. وی با تمرکز بر حجم عظیم اسناد ذخیره‌شده در آرشیوهای عمومی پس از جنگ جهانی دوم، اظهار داشت که دلیل اصلی حفظ اسناد، خدمت به شهروندان است. اگر هزینه حفظ اسناد، بیشتر از منافع آن برای شهروندان باشد، آرشیوهای عمومی نمی‌توانند هزینه‌های مستمر حفاظت دائمی از اسناد را توجیه کنند. راپورت به تصمیمات ارزشیابی نادرست یا غفلت از ارزشیابی صحیح اشاره و اظهار کرد که «اگر امروز این اسناد به ما پیشنهاد می‌شدند، آنها را نمی‌پذیرفتیم» (Raport, 1981, p 143). راپورت به‌عنوان راه‌حل پیشنهاد کرد که اسناد در یک

1. reappraisal
2. provenance
3. donation

4. accessioning
5. Frank B. Evans

6. permanent withdrawal

برهه زمانی ۲۰ تا ۳۵ ساله مجدداً ارزشیابی شوند. در طول این زمان، آرشیداران باید اسناد را در دسترس کاربران بالقوه قرار دهند تا بتوانند تحلیل کنند که چه استفاده بالقوه‌ای ممکن است از آن‌ها بشود و یک هیئت بررسی باید به عنوان معیار پیشگیرانه نهایی، تصمیمات ارزشیابی مجدد را پیش از خروج از ثبت، تأیید یا رد کند.

کارن پندیکت در پاسخ به راپورت، مقاله «دعوت به آتش سوزی: ارزشیابی مجدد اسناد، ابزاری برای مدیریت مجموعه‌ها در آرشیو- پاسخی به لئونارت راپورت» (Invitation to a Bonfire: Reappraisal) منتشر کرد. پندیکت در مقاله خود راپورت را با بحث درباره این که ارزشیابی مجدد و خروج از ثبت اساساً اصول آرشیوی اولیه را تضعیف می‌کنند، به چالش کشید. وی اظهار کرد که اقدامات ارزشیابی مجدد و خروج از ثبت، مگر به عنوان آخرین گزینه در بحران‌های مالی یا فضای ذخیره‌سازی، بسیار خطرناک هستند. به این معنا که وقتی اسناد امحا شوند، دیگر بازایی نمی‌شوند. وی چنین بحث می‌کند که به دلیل ماهیت متغیر معیارهای ارزشیابی، استانداردهای ارزشیابی کنونی نمی‌توانند به استانداردهای گذشته اولویت داشته باشند. پندیکت سرانجام در پاسخ به تأکید راپورت به «میزان استفاده» از اسناد به عنوان معیاری برای ارزشیابی مجدد، با این موضوع مخالفت کرد و اظهار داشت که عدم استفاده از سندی در گذشته، نمی‌تواند پیش‌بینی‌کننده دقتی برای استفاده از آن در آینده، به‌منظور حفاظت از آن به شمار آید.

همان شماره نشریه *American Archivist* که نظر مخالف پندیکت را به چاپ رساند، حاوی یک مطالعه موردی با نظر موافق ریچارد ال. هاس و تفسیر این موضوع توسط اِف. جرالد هم نیز بود. ارزشیابی مجدد پس از آن با بررسی‌ها و مطالعات موردی دیگر روی نظریه، کنش آگاهانه^۱ و اصول اخلاقی آن دنبال شد که بیشتر آن‌ها نسبت به این مفهوم دیدگاه مثبتی داشتند (Crowder, 2011). [امروزه] آرشیداران، ارزشیابی مجدد را به‌مثابه ابزاری مفید برای بازنگری در تصمیمات ارزشیابی پیشین، به رسمیت شناخته‌اند؛ به‌ویژه در مواردی که می‌توان انتظار منافع روشن و مشخص را داشت. همان‌گونه که شیلا پاول^۲ در مطالعه موردی سال ۱۹۹۲ می‌نویسد، ارزشیابی مجدد می‌تواند با ایجاد و وارد کردن اطلاعات جدید برای پالایش و تقویت دارایی‌های آرشیوی از «شکل‌گیری بالاترین سطح ممکن از اسناد تاریخی» در آرشیو پشتیبانی کند (Powell, 1991: p 104). با توجه به تنوع دیدگاه‌های حرفه‌ای درباره این موضوع، انجمن آرشیداران امریکا در سال ۲۰۱۲ «دستورالعمل ارزشیابی مجدد و خروج از ثبت» را تصویب کرد تا آرشیوها را در گرفتن تصمیمات مسئولانه و شفاف در زمینه ارزشیابی مجدد یاری رساند.

۳. فرایند ارزشیابی مجدد

ارزشیابی مجدد، فرایندی تصمیم‌گیرانه است که همانند ارزشیابی، با مهارت و دقت از ترکیب تئوری و عمل برای تعیین ارزش اسناد استفاده می‌کند. پیش از شروع، ارزشیابی مجدد باید در خط‌مشی‌ها و

1. praxis
2. Sheila powell

رویه‌های یک مؤسسه آرشیوی، تعریف شده باشد و در قراردادهای مربوط به خروج از ثبت قرار گرفته باشد. به‌منظور پیگیری و شفافیت، تصمیمات ارزشیابی مجدد و پیامدهای آن باید به‌طور کامل مستند شوند تا انسجام و شفافیت تضمین گردد. آرشیوهایی که به ارزشیابی مجدد می‌پردازند باید مسائل اخلاقی، حقوقی و مرتبط با اهداکنندگان یا جامعه کاربران پیرامون این کنش را پیش‌بینی و مدیریت کنند. مالکیت مجموعه‌ها نیز باید به‌طور روشن تعیین شود؛ ازجمله با در نظر گرفتن مقررات قانونی قابل اعمال بر اسناد دولتی و نیز توافق‌نامه‌های حقوقی پیشین با اهداکنندگان؛ به‌ویژه در مواردی که این توافق‌نامه‌ها شامل بندهایی برای اجازه خروج از ثبت نبوده‌اند. در نهایت آرشیو باید در صورت لزوم با توضیح فرایند ارزشیابی مجدد و پیامدهای احتمالی آن به شکلی صادقانه و همدلانه، ارتباطی باز و شفاف با اهداکنندگان برقرار کند.

ارزشیابی مجدد با تعریف منطق و دامنه آن آغاز می‌شود. دلایل ارزشیابی مجدد شامل بهبود دسترسی کلی به منابع، ارزیابی و اولویت‌بندی انباشت‌های معوق، اصلاح تصمیمات نادرست ارزشیابی، دقیق‌تر کردن نقطه تمرکز مجموعه‌ها و ایجاد توازن میان منابع نهادی اختصاص یافته به حفاظت و ذخیره‌سازی از یک سو و میزان استفاده از مجموعه‌ها از سوی دیگر است. تعریف دامنه، میزان منابعی را که باید مجدداً ارزشیابی شوند، مشخص می‌کند. ارزشیابی مجدد ممکن است همه منابع آرشیوی و یا فقره‌های تکی را در برگیرد یا محدود به برخی حوزه‌ها مانند موضوع، ایجادکننده، قالب و دوره زمانی باشد. هر فوند یا ردیف نیز ممکن است در صورت نیاز مورد ارزشیابی مجدد قرار گیرد. در همه این موارد، کارشناس ارزشیابی مجدد باید همه فوند، ردیف یا مجموعه را بررسی کند و نه اجزای منفرد آن را؛ تا بتواند زمینه منابع و دلایلی را که در گذشته فراهم‌آوری شده‌اند، درک کند.

پس از آن‌که منطق و دامنه، تعریف و مستندسازی شد، کارشناس ارزشیابی مجدد باید خط‌مشی‌های موجود ارزشیابی یا مدیریت مجموعه‌ها و هرگونه تعهد حقوقی را که آرشیو ممکن است برای نگهداری از منابع داشته باشد، بازبینی کند. سپس کارشناس به‌طور نظام‌مند به بررسی منابع در دامنه تعیین‌شده می‌پردازد و ویژگی‌هایی را ثبت می‌کند که ممکن است آنها را به نامزدهای خروج از ثبت تبدیل کند. در طول این فرایند، مؤسسه باید فهرستی از معیارهای تعریف‌شده ارزشیابی در اختیار داشته باشد که می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- اسنادی که با معیارهای کنونی ارزشیابی و فراهم‌آوری مؤسسه، هم‌خوانی نداشته باشند؛
- فاقد سوابق ثبت یا منشأ مشخص باشند؛
- منابع منحصربه‌فرد به شمار نیایند؛
- هرگز در دسترس قرار نگرفته باشند؛
- حاوی اطلاعات به‌شدت محدودشده یا خصوصی هستند؛
- به نظر نمی‌رسد ارزش پژوهشی بلندمدت داشته باشند؛
- از قالب‌ها یا فرمت‌هایی تشکیل شده‌اند که مؤسسه معمولاً آنها را فراهم‌آوری نمی‌کند؛
- به دلیل منسوخ شدن قالب آن‌ها به‌طور دائمی غیرقابل دسترس شده‌اند؛

• یا از لحاظ فیزیکی تا حدی تخریب شده‌اند که دیگر امکان بازیابی اطلاعات از آن‌ها وجود ندارد.

در بسیاری از موارد در جریان این فرایند، اطلاعات جدیدی درباره منابع به دست می‌آید که باید با به-روزرسانی بازیاگرها^۱ و مستندات مجموعه‌ها، ثبت و مستندسازی شود.

پیش از گرفتن تصمیم نهایی، کارشناس ارزشیابی مجدد باید هرگونه اطلاعات تکمیلی درباره منابع مورد بررسی را مدنظر قرار دهد؛ اطلاعاتی که می‌تواند توضیح دهد چرا منابع از ابتدا پذیرفته شده‌اند؛ این اطلاعات شامل اطلاعات اهداکننده، مکاتبات، توافق‌نامه‌ها، آمار استفاده، محتوای منابع، ارزیابی وضعیت فیزیکی، جدول‌های زمانی، و خط‌مشی‌های فراهم‌آوری و ارزشیابی پیشین که اکنون جایگزین شده‌اند، می‌شود. همچنین مالکیت باید به‌طور قطعی تعیین شود. اگر هیچ‌گونه توافق‌نامه اهدایی وجود نداشته باشد، مؤسسه باید نهایت تلاش خود را برای تماس با اهداکنندگان اصلی انجام دهد یا براساس قوانین قابل اعمال، ادعای مالکیت کند.

تصمیم نهایی ارزشیابی مجدد می‌تواند بسته به ساختار مؤسسه توسط کمیته، با مشورت کاربران یا از طریق شیوه‌های دیگر گرفته شود. نتیجه ارزشیابی مجدد ممکن است شامل نگهداری کامل منابع، نگهداری بخش‌هایی از آن‌ها، تعویق ارزشیابی مجدد تا در دسترس قرار گرفتن اطلاعات بیشتر، یا خروج از ثبت باشد.

۴. نتیجه‌گیری

باوجود جنجال‌های گذشته، ارزشیابی مجدد، مفهومی سودمند برای آرشیداران است تا مجموعه‌ها را به‌گونه‌ای مسئولانه مدیریت کنند. بااین‌حال تصمیمات ارزشیابی مجدد نباید شتاب‌زده گرفته شوند. همان‌طور که اف. جرالد هم می‌نویسد، ارزشیابی مجدد «کنشی خلاقانه و پیچیده است» که زمانی که دامنه و منطق انجام آن تعریف شود و تصمیمات به‌طور نظام‌مند، عملی و به‌دقت مستند شوند، امکان پالایش و تقویت دارایی‌های آرشیرا فراهم می‌آورد. (Gerald, 1984, p 17) پس از آنکه تصمیمات ارزشیابی مجدد گرفته شد، منابع می‌توانند وارد فرایند خروج از ثبت شوند؛ یعنی به اهداکننده یا مؤسسه منشأ بازگردانده شوند، به مؤسسه‌ای دیگر انتقال یابند، به فروش برسند و یا امحا شوند. ♦

یادداشت مترجم

[۱]. خروج از ثبت (deaccessioning) که در برخی منابع ازجمله فرهنگ اصطلاحات آرشیری ذیل مدخل «انتقال اسناد دریافتی» توصیف شده است، فرایندی است که طی آن آرشیر، موزه یا کتابخانه مجموعه‌ای از منابع دریافت‌شده را برای همیشه از موجودی خود جدا کرده و انتقال می‌دهد (شبانی، ۱۳۹۵، ص ۲۸). لازم به ذکر است مترجم مقاله حاضر در ترجمه دستورالعمل ارزشیابی مجدد انجمن آرشیداران آمریکا با عنوان Guidelines for Reappraisal and Deaccessioning (تدوین ۲۰۱۲ و بازنگری ۲۰۱۷) از معادل «باز انتقال» برای این اصطلاح استفاده کرده است. (نگاه کنید به: سادات بیدگلی،

^۱. Finding aids

محبوبه. (مترجم). (۱۴۰۰). «دستورالعمل ارزشیابی مجدد و باز انتقال». *آرشیو ملی* ۷(۲)، تابستان، صص ۳۰-۶۳. باین حال، از آنجاکه فرایند deaccessioning می‌تواند مصادیق متنوعی از جمله امحا، انتقال منابع به مؤسسه‌ای دیگر، بازگرداندن آنها به مؤسسه منشأ، یا فروش منابع را در بر گیرد، در مقاله حاضر برای این اصطلاح از معادل «خروج از ثبت» استفاده شده است.

References

- Benedict, Karen. (1984). "Invitation to a Bonfire: Reappraisal and Deaccessioning of Records as Collection Management Tools in an Archives- A Reply to Leonard Rapport". *American Archivist* 47(1), p 43-49. <https://www.jstor.org/stable/40292635>.
- Crowder, Ashby. (2011). "Reappraising Leonard Rapport's 'No Grandfather Clause' at Thirty". *Provenance, Journal of the Society of Georgia Archivists* 29 (1), p 49-66. <https://digitalcommons.kennesaw.edu/provenance/vol29/iss1/5/>.
- Evans, Frank B., Donald F. Harrison, Edwin A. Thompson, and William L. Rofes. (1974). "A Basic Glossary for Archivists, Manuscript Curators, and Records Managers". *American Archivist* 37 (3), p 415-33. www.jstor.org/stable/40291669.
- Gerald, Ham, F. (1984). "Archival Choices: Managing the Historical Record in an Age of Abundance". *American Archivist* 47 (1), p 11-22. <https://B2n.ir/g55268>.
- Haas, Richard. (1984). "Collection Reappraisal: The Experience at the University of Cincinnati". *American Archivist* 47 (1), p 51-54. <https://www.jstor.org/stable/40292636>.
- Powell, Sheila. (1991). "Archival Reappraisal: The Immigration Case Files". *Archivaria* 33 (1), p 104-16. <https://archivaria.ca/index.php/archivaria/article/view/11802>.
- Rapport, Leonard. (1981). "No Grandfather Clause: Reappraising Accessioned Records". *American Archivist* 44(2): p 143-50. <https://www.jstor.org/stable/40292383>.
- Society of American Archivists. (2012). "*Guidelines for Reappraisal and Deaccessioning*". Chicago: Society of American Archivists, www2.archivists.org/sites/all/files/GuidelinesForReappraisalAndDeaccessioning-May2012.pdf (accessed November 2014).

منابع مترجم

شبان، انوشه. (مترجم). (۱۳۹۵). *فرهنگ اصطلاحات آرشیوی*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ص ۲۸.